

درباره  
دیپلمات

# در جست‌وجوی راهکار دیپلماتیک

بررسی محتوای پیشنهاد جدید  
محمدجواد ظریف برای شکست  
بن‌بست هسته‌ای میان ایران و آمریکا



شهاب شهنساری

خبرنگار گروه دیپلماسی

محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه پیشین جمهوری اسلامی ایران یکی از اثرگذارترین افرادی بود که در انتخاب مسعود پزشکیان به مقام ریاست‌جمهوری با شعار مذاکره با غرب و رفع تحریم‌ها مؤثر بود. با روی کار آمدن مسعود پزشکیان، ظریف به‌عنوان معاون راهبردی رئیس‌جمهور منصوب شد، اما خیلی زود با فشار جناح‌های تندرو و مخالف عادی‌سازی روابط ایران و غرب مجبور به کناره‌گیری از مقام خود شد. با این حال ظریف، در ظرفیت یک استاد دانشگاه و دیپلمات پیشین از تکاپو برای ارائه راهکارهایی برای برون‌رفت سیاست خارجی کشور از بحران و عادی‌سازی روابط ایران و غرب نیفتاده‌است. ظریف پس از کناره‌گیری از دولت با انتشار مقاله‌ها و اسناد سیاستی، تلاش کرده‌است که راهکارهایی را برای کنار گذاشته‌شدن اختلاف‌های ایران و غرب و حل و فصل پرونده هسته‌ای ایران و برطرف شدن تحریم‌ها ارائه کند. نخستین بار مردادماه امسال

کوروش احمدی دیپلمات بازنشسته در گفت‌وگو با «هم‌میهن»:

## باید برای رفع مشکلات خودمان پیش‌قدم شویم

ناخالص داخلی آمریکا و میزان تولید ناخالص داخلی ایران، این تحریم‌ها هیچ آسیبی به اقتصاد آمریکا نمی‌زند و روشن است که تنها ایران از این تحریم‌ها آسیب می‌بیند. خب در این شرایط چه دلیلی دارد که آمریکایی‌ها برای حل مشکل پیش‌قدم شوند؟ این ما هستیم که باید حداکثر تلاش را برای حل مشکل‌مان انجام دهیم و بکوشیم بلکه سایه شوم تحریم از سر کشور برداشته‌شود. از همین جهت تلاش‌ها و پیشنهادهای آقای ظریف قابل درک و قابل احترام است. **ما سیر پیشنهادهای آقای ظریف را که می‌بینیم شامل چند نکته اصلی است؛** یک پیشنهاد فنی در چارچوب کنسرسیوم غنی‌سازی، یک پیشنهاد در چارچوب مذاکرات چندوجهی میان ایران و آمریکا و پیشنهاد اخیر که توافق حداقلی مبتنی بر نسخه به‌روزرشده برجام را پیشنهاد می‌دهد. به اعتقاد شما کدام‌یک از چنین راهکارها عملی‌تر است؟

پیشنهاد سازوکار موسوم به مناره و کنسرسیوم منطقه‌ای غنی‌سازی به اعتقاد من اگر نگوییم مفید است، دست‌کم بی‌ضرر است. این پیشنهاد نشان می‌داد که دست‌کم افرادی در ایران هستند که به چنین راهکاری‌هایی فکر می‌کنند. هرچند من شخصاً تردید دارم که این راهکار خیلی عملی باشد. چراکه بعید می‌دانم کشورهای منطقه انگیزه‌ای برای غنی‌سازی با مشارکت ایران داشته باشند. بعلاوه معلوم نیست آمریکا به کشورهای اسلامی و عربی اجازه غنی‌سازی در خاک خودشان را بدهد. تکلیف برخی کشورهای منطقه مانند امارات متحده عربی که نیروگاه هسته‌ای خود را وارد مدار کرده و تعهد داده است که سوخت مورد نیازشان را از شرکت سازنده رآکتور تامین کنند و توافقنامه موسوم به ۱۲۳ (بر اساس ماده ۱۲۳ قانون انرژی اتمی آمریکا مصوب ۱۹۵۴) با آمریکا را امضا کرده‌است که داوطلبانه حق غنی‌سازی اورانیوم را از خود سلب می‌کند. عربستان هم ظاهراً در حال طی مسیر مشابهی با امارات است. از کشورهای دیگر هم نشانه‌ای که حاکی از تمایل آنها به غنی‌سازی باشد، ندیده‌ایم.

میان آحاد جامعه در ارتباط با وضعیت جاری و آینده کشور، احتمال جنگ و درگیری‌های بیشتر و استمرار تحریم‌ها که خسارات عظیمی را به کشور وارد کرده و می‌کند، این تلاش‌های آقای ظریف قابل درک و قابل تمجید است. واقعیت این است که محمدجواد ظریف با توجه به اینکه بیش از هر شخص دیگری در طول نزدیک به پنج دهه گذشته درگیر مسائل فی‌مابین ایران و آمریکا بوده‌است، در این زمینه صاحب‌نظرتر از بسیاری دیگر است و طبعاً ایده‌هایی نیز می‌تواند داشته باشد و طبیعی است که در جایگاه یک فرد مجرب و صاحب‌نظر بدون داشتن موقعیت رسمی ایده‌ها و راهکارهایی که برای برون‌رفت از وضعیت فعلی به نظرش می‌رسد، ارائه دهد.

**در شرایطی که تمامی مذاکرات میان ایران و غرب متوقف شده‌است و سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه به‌تازگی برای چندمین بار تکرار کرده‌است که ایران منتظر می‌ماند تا ایالات متحده آمریکا یک پیشنهاد عاقلانه و متوازن ارائه کند، آیا چنین راهکارهایی می‌تواند راهگشا باشد و کمکی به حل و فصل مسائل موجود کند؟**

اظهارات آقای عراقچی برای من خیلی قابل درک نیست. طرفی که امروز دچار مشکل است، ما هستیم و ما باید تلاش کنیم تا این مشکلات را برطرف کنیم، نه اینکه منتظر بنشینیم تا طرف مقابل برای حل مشکلات ما اقدامی کند. ما با تحریم‌های گسترده و طولانی مواجهیم که به نظر می‌رسد در این مرحله دارد موجب اضمحلال ساختاری کشور می‌شود. اساساً تحریم‌ها در سال‌های اولیه اثر کمتری دارند و بعد از اینکه کشور تحت تحریم مدتی از کیسه مصرف می‌کند، با گذشت زمان به مرور ساختارهای کشور تحت تأثیر تحریم رو به فرسایش می‌گذارند و تحلیل می‌روند. بعد از یک دوره ۱۵ یا ۲۰ ساله که کشور تحت تحریم است اکنون ساختارهای کشور شدیداً دستخوش اضمحلال ساختاری هستند. حداقل به نظر می‌رسد که آمریکا چنین برداشتی دارد و برآورد می‌کند که با توجه به میزان تولید

انتشار مقاله محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه پیشین جمهوری اسلامی در نشریه آمریکایی فارن‌افرز با واکنش‌های مختلفی در داخل ایران مواجه شده‌است. بسیاری از کارشناسان و تحلیل‌گران از این پیشنهادها برای برون‌رفت از بحران جاری میان ایران و غرب استقبال کرده‌اند، ولی برخی جناح‌های سیاسی مشخص و رسانه‌ها از این اقدام ظریف انتقاد کردند. کوروش احمدی، دیپلمات پیشین، معتقد است که ارائه پیشنهاد و راهکار برای خروج از بحران فعلی سیاست خارجی یکی از مسئولیت‌های ناظران آگاه و کارشناسان است و با توجه به تخصص و تجربه محمدجواد ظریف، راهکارهای پیشنهادی او از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. احمدی معتقد است که بیشترین ضرر استمرار شرایط فعلی در سیاست خارجی متوجه ایران و مردم ایران است و این تهران است که برای حل این مشکل باید پیش‌قدم شود و ابتکارها و راهکارهایی برای خروج از وضعیت فعلی پیدا کند. در ادامه متن کامل گفت‌وگوی «هم‌میهن» را با کوروش احمدی، دیپلمات پیشین جمهوری اسلامی ایران، مطالعه می‌کنید.

**این چندمین بار در ماه‌های اخیر است که محمدجواد ظریف، وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی ایران، با انتشار مقاله‌ای پیشنهادهایی را برای حل و فصل مسائل میان ایران و غرب مطرح می‌کند. فکر می‌کنید این پیشنهادها تا چه اندازه بتوانند در حل و فصل بحران جاری در روابط ایران و غرب راهگشا باشند؟**

آقای ظریف الان یک شهروند عادی است و به عنوان شهروند عادی نقطه نظرات شخص خود را با انکا به تجربیات و دانشی که دارد منعکس می‌کند و ایده‌هایی را که به نظرش می‌رسد می‌تواند مفید واقع شود، ارائه می‌دهد. با توجه به نگرانی‌های موجود در

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



### ایران تعیین‌کننده ثبات خاورمیانه

عامل تعیین‌کننده در شکل‌دهی به احتمال برقراری یک توازن پایدار در خاورمیانه، آینده ایران است. با توجه به ناکامی‌های اخیر و نارضایتی فزاینده عمومی، احتمال می‌رود که این ایدئولوژی مورد چالش قرار گرفته یا حتی به‌طور کامل بازنگری شود. ده‌ها سال است که بخش بزرگی از غرب، اسرائیل و بسیاری از کشورهای عربی، ایران را منبع اصلی بی‌ثباتی منطقه‌ای می‌دانند. از زمان پایان جنگ ایران و عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸)، تهران برای دور نگه داشتن درگیری از خاک خود، به استراتژی «دفاع پیش‌دستانه» (دفاع رو به جلو) متکی بوده است. این دکترین که تحت تأثیر ترومای جنگ و مداخلات نظامی ایالات متحده در افغانستان (۲۰۰۱) و عراق (۲۰۰۳) شکل گرفته، بر سه پایه استوار بود:

۱ شبکه‌ای از گروه‌های مسلح متحد، از جمله حزب‌الله در لبنان، نیروهای بسیج مردمی (حشدالشعبی) در عراق و انصارالله در یمن.

۲ برنامه موشک‌های بالستیک و پهپادی که توانمندی‌های استراتژیک فراهم می‌کرد.

۱ وضعیت نیروی دریایی مبتنی بر تاکتیک‌های نامتقارن برای بازدارندگی نیروهای آمریکایی و عملیات مؤثر در آب‌راه‌های کلیدی خلیج فارس.

دو هدف اصلی در این رویکرد عبارت بودند از: بازدارندگی اسرائیل و ایالات متحده از حمله مستقیم به ایران، و تضمین نفوذ در لبنان، سوریه، عراق و یمن برای تبدیل کردن آن‌ها به مناطق حائل یا بستری برای اقدامات ایران. با این حال، پیامدهای جنگ غزه نشان داد که پروژه «محور مقاومت» ایران محدودیت‌هایی دارد. تسلیم بالفعل حزب‌الله در نوامبر ۲۰۲۴، ویرانی غزه و یک جنگ ۱۲ روزه در ژوئن ۲۰۲۵ که در آن اسرائیل و ایالات متحده ایران (از جمله تأسیسات هسته‌ای و توانمندی‌های موشکی آن) را بمباران کردند، نقاط ضعف شبکه نیابتی فراملی ایران را آشکار کرد. در عوض، این وقایع منجر به تثبیت یک «محور متقابل» شامل کشورهای حوزه خلیج فارس و اسرائیل شد و ایران را در انزوای محدودیت استراتژیک قرار داد.

یک ایران ملی‌گرا در آینده ممکن است همچنان مستبد باقی بماند اما رویکردی درون‌گرا اتخاذ کند. این مسئله پیامدهای عمیقی خواهد داشت: نیروهای نیابتی ایران ناچار خواهند بود در نقش خود بازنگری کرده و جایگاه خود را در داخل کشورهاییشان بازتعریف کنند؛ امری که پتانسیل تبدیل آن‌ها به بازیگرانی ملی‌گرا و کمتر نظامی‌شده را دارد. آینده آن‌ها عمدتاً توسط مسیری که ایران انتخاب می‌کند، شکل خواهد گرفت. با این حال، بزرگترین آسیب‌پذیری ایران در داخل نهفته است. نظام حاکم بر ایران با شکنندگی داخلی، کاهش مشروعیت و اقتصادی رو به زوال روبه‌روست. تقابل خارجی ممکن است برای مدت کوتاهی همبستگی ملی ایجاد کند، اما نمی‌تواند بحران ساختاری کشور را حل کند. جمعیت جوان و ناامید ایران به شکلی فزاینده با وضعیت فعلی مخالفت می‌کنند و ماجراجویی‌های منطقه‌ای ایران را هزینه‌بر و عامل انزوای بین‌المللی می‌بینند. چشم‌انداز یک نظم منطقه‌ای پایدار به شدت به جهت‌گیری استراتژیک ایران بستگی دارد. هرچه تهران بیشتر به سمت اولویت‌بخشی به مسائل ملی، بازسازی اقتصادی و تنش‌زدایی حرکت کند و از ماجراجویی منطقه‌ای فاصله بگیرد، شانس بازسازی خاورمیانه حول یک توازن پایدار بیشتر خواهد بود. در مقابل، اگر ایران بر تقابل و مقاومت ایدئولوژیک پافشاری کند، بی‌ثباتی منطقه‌ای عمیق‌تر خواهد شد.

نگاه  
دیپلمات